

آسیب‌شناسی محیط آموزش و اشتغال زنان سرپرست خانوار با رویکرد روان‌شناسی محیطی

آیدا زارع مهدبیه: دکتری معماری

Aidazaremohazabie@yahoo.com

محمدسعید فهندژسعدی^۱: دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، مؤسسه آموزش عالی حافظ - شیراز

Ms_fahandezh@yahoo.com

فیروزه مسرور: دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، مؤسسه آموزش عالی حافظ - شیراز

Masrouri.f@gmail.com

چکیده

توجه به چگونگی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد، نمایان‌گر سطح توسعه‌یافتگی هر جامعه‌ای می‌باشد. لذا بررسی مشکلات مربوط به زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست به‌عنوان قشری از جامعه که نیازمند حمایت از سوی افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های مختلف می‌باشند، ضروری است. در همین راستا کلید واژه توانمندسازی برای این قشر از جامعه با هدف مرتفع کردن مشکلات آنان و به‌دنبال آن دستیابی به توسعه اجتماعی می‌باید مدنظر قرار گیرد. بدین معنا که، توسعه را نه تنها در بعد مادی و اقتصادی جست‌وجو کند بلکه به‌عنوان ارزش و معیاری چند وجهی تمامی ابعاد زندگی زنان سرپرست خانوار را دربر گیرد. تا به حال به‌دلیل عدم شناخت صحیح و فقدان نگاه چند جانبه به موضوع زنان سرپرست خانوار صرفاً به تسکین‌های موقتی اکتفا شده و راه‌حل پایداری ارائه نشده است. به همین طریق توجه به کیفیت کالبدی و معماری محیط‌های آموزشی و اشتغال آنان از موضوعاتی است که مغفول مانده است. بنابراین رویکرد روان‌شناسی محیطی به عنوان علم تجزیه و تحلیل روابط متقابل محیط و انسان، می‌تواند جهت ارتقاء مطلوبیت فضایی و کالبدی چنان محیط‌هایی به‌کار گرفته شود. حال مسئله اصلی در اینجا این است که چگونه می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های معماری در ایجاد محیطی مناسب، در تسهیل مشکلات آنها تأثیر گذاشت. براین اساس سعی بر این است که با مطالعات کتابخانه‌ای و روشی تحلیلی - توصیفی، به درکی درست از رابطه معماری و محیط دست یافت و علاوه‌بر شناخت بعد معماری و هنری یک فضای مطلوب آموزشی و اشتغال، اهمیت ایجاد فضایی متناسب با این قشر از جامعه را مورد توجه قرار داد.

واژگان کلیدی: زنان سرپرست خانوار، روان‌شناسی محیطی، آموزش، توانمندسازی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه و بیان مسئله

در دنیای امروز که نابرابری و شکاف اجتماعی در هر جامعه‌ای به چشم می‌خورد، لزوم اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌هایی که نیازهای تمامی اقشار جامعه، بخصوص اقشار آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر را دربر گیرد دوچندان می‌کند. بر همین مبنا زنان سرپرست خانوار به‌عنوان گروهی آسیب‌دیده و دردمند که مستعد توجه بیشتر از سوی جامعه می‌باشند، نیازمند سیاست‌ها و برنامه‌هایی هستند که علاوه بر اشراف به مشکلات آنان به ارتقاء کیفیت زندگی‌شان منجر شود. با نگاهی به اطلاعات و آماری که نهادها و دستگاه‌های رسمی مختلف منتشر می‌کنند، می‌توان فهمید که متأسفانه زنان سرپرست خانوار کشور در وضعیت مناسبی قرار ندارند. به طوری که "سه‌م قابل توجهی از زنان سرپرست خانوار دارای همسر و زنان سرپرست خانوار مطلقه کماکان در گروه فقیران باقی مانده‌اند. آمار روبه‌رشد زنان سرپرست خانوار به همراه فقر فزاینده در این خانوارها طی سال‌های اخیر، بیان‌گر فقدان برنامه‌های جامع و آینده‌نگرانه توان‌مندسازی برای این گروه از زنان کشور می‌باشد. ارائه خدمات حمایتی مقطعی طی این سال‌ها صرفاً موجب گسترش وابستگی این خانوارها به دستگاه‌های حمایتی و افزایش هزینه‌های دولتی و افزایش آسیب‌های منتج از فقر این خانوارها گردیده است" (اندایش، ۱۳۹۳). به همین دلیل توجه به توان‌مندسازی آن‌ها براساس یک نگاه جامع و چند بعدی ضروری است. در همین راستا، به نظر می‌رسد به عنوان گام نخست، ایجاد بستر و محیطی مناسب به جهت رویارویی و تعامل بی‌واسطه با آن‌ها و همچنین آشنایی با مسائل و مشکلات آنان اقدامی مهم و کارآمد باشد. محیطی که هم ویژگی‌ها و خصوصیات شخصیتی و روانی آنان را در نظر داشته باشد و هم ظرفیت و زمینه آموزش و ارتقاء قابلیت‌های آنان را فراهم آورد.

بر همین اساس تأثیرات محیط بر روی افراد در علم روان‌شناسی محیطی از جهات گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. "چنین به نظر می‌رسد که انسان به گونه‌ای غیرفعال محیط اطراف خود و اشیای درون آن را ادراک می‌کند و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی، اطلاعات و تصاویر دنیای بیرون بر او تحمیل می‌شوند؛ درحالی که تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد که داده‌ها و تجربیات ادراکی قبلی انسان (اطلاعات و حافظه شناختی)، موجب پاسخ ادراکی نهایی او می‌شود. از دیگر عواملی که بر ادراک تأثیر دارد می‌توان به عوامل روان‌شناختی فردی (غم و شادی)، فیزیکی، محیطی (ازدحام و خلوت) و عوامل فرهنگی اشاره کرد، که هر کدام به نوبه خود بر ادراک فرد از محیط تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که امکان دارد دو نفر با پیش‌زمینه‌های فرهنگی و ذهنی متفاوت از یک محیط یکسان، ادراک کاملاً متفاوتی داشته باشند و یا ممکن است یک فرد، در مقاطع زمانی مختلف، و براساس عوامل روان‌شناختی متفاوت (غم یا شادی و امثالهم) ادراک متفاوتی از یک محیط واحد داشته باشد. به بیان دیگر، فرآیند ادراک از انگیزه‌ها و دیگر عوامل درونی و بیرونی یا محیطی متأثر می‌شود. به نظر می‌رسد که جنسیت و ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه‌های شخصی نیز ادراک متفاوتی از محیط به وجود می‌آورند. با این همه، از دیدگاه تجربه‌گرایی در روان‌شناسی، ادراک هر چیز، بیش از ترکیب اطلاعات حاصل از اندام‌های حسی است و آموخته‌ها و باورهای فرد در شکل دادن به ادراک مؤثر هستند" (حیدری و بادی، ۱۳۹۲). لذا به نظر می‌رسد با شناخت دقیق از مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار بتوان متناسب با نیاز آنها سعی در خلق فضایی نمود که از هر لحاظ مطابق با آن نیازها باشد و امکان خلق مکان‌هایی تعاملی جهت ایجاد زمینه‌ای برای ارتقاء سطح زندگی آنان را فراهم آورد. چراکه "مشاهداتی که تا کنون انجام شده است نشان می‌دهد، برخی شرایط محیطی امکان بیشتری برای بروز خلاقیت و ابتکار ایجاد می‌کنند و برخی دیگر، تسهیلات بیشتری از نظر تمرین روابط و تعامل‌های اجتماعی به وجود می‌آورند. به بیان دیگر رفتار و عملکرد افراد در محیط به میزان قابل توجهی از شرایط و عوامل کالبدی-معماری آن محیط تأثیر می‌پذیرند و لذا می‌توان با بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی، رفتارهای کاربران را در جهت نیل به اهداف مورد نظر طراحان هدایت نمود که از چنین رویکردی به عنوان رویکرد تأمین فرصت‌ها در دانش روان‌شناسی محیطی یاد شده است" (اقبالی و صارمی، ۱۳۹۵).

با توجه به آنچه گفته شد التفات به امر مطالعات میان‌رشته‌ای در سه حوزه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و معماری برای درک مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار مهم می‌باشد. به نظر می‌رسد به دلیل عدم شناخت صحیح و فقدان نگاه چندجانبه به موضوع زنان سرپرست خانوار صرفاً به تسکین‌های موقتی اکتفا شده و راه‌حل پایداری تا به حال ارائه نشده است. حال مسئله اصلی در اینجا این است که با اهتمام به نیازهای اساسی زنان سرپرست خانوار چگونه می‌توان به وسیله ظرفیت‌های معماری در ایجاد مکان تعاملی مناسب، بر تسهیل مشکلات آنها تأثیر گذاشت. بر این اساس باید سعی بر این باشد که به دور از یک نگاه یک بعدی و کلی‌نگر، بتوان مکان‌هایی ایجاد نمود که هم به لحاظ تسهیلاتی جواب‌گوی نیازهای متنوع و متعدد زنان سرپرست خانوار باشد و هم به لحاظ بعد معماری و هنری یک فضای مطلوب و درخور آنان را فراهم آورد. بدین منظور در این تحقیق ابتدا با نگاهی به شرایط آماری و فضاهای آموزش و اشتغال زنان سرپرست خانوار وضعیت موجود آنان بررسی و سپس با مطالعه مبانی روان‌شناسی محیطی راه‌حل‌هایی جهت کاربرد در فضاهای آموزشی و اشتغال آنان ارائه شده است.

۲- پیشینه تحقیق

با توجه به لزوم مطالعه وسیع و دقیق در وضعیت زنان سرپرست خانوار و آگاهی از وضعیت آنها با نگاهی چند جانبه و میان‌رشته‌ای در مقاله زنان سرپرست خانوار: نکته‌ها و آسیب‌های اجتماعی نگارندگان سعید معیدفر و نفیسه حمیدی (۱۳۸۶) بر این امر تأکید دارند. همچنین متذکر می‌شوند که باتوجه به میزان بالای آسیب‌های اجتماعی و روانی زنان سرپرست خانوار صرفاً حمایت‌ها پایین دولتی کارآمد نیست و هرگونه تدبیر در مسائل و مشکلات آنان باید با اتکا به مطالعات دقیق اجرا شود.

در مقاله توان‌مندسازی زنان سرپرست خانوار از طریق مشاوره گروهی، آگاه‌سازی و کارآفرینی نگارندگان شهناز طباطبایی یحیی‌آبادی و سیمین حسینیان (۱۳۸۴) با نگاهی آماری به جمعیت زنان سرپرست خانوار، وضعیت روحی - روانی و همچنین معیشتی آنان و عوامل ایجاد وضعیت نامطلوب آنها را بررسی می‌نمایند. آنها با ارائه راهکارهای مشاوره‌ای، آگاه‌سازی و کارآفرینی در جهت توان‌مندسازی زنان سرپرست خانوار به عنوان راه‌حل مشکلات آنان موافقت دارند. در مقاله درآمندی بر روان‌شناسی محیط و کارکرد آن در معماری و طراحی شهری نگارندگان همایون اقبالی و حمیدرضا صارمی (۱۳۹۵) در ابتدا به بررسی علم روان‌شناسی محیط و نظریات گوناگون حول این علم می‌پردازند و در ادامه با توضیح مسائل این علم چنین توضیح می‌دهند که شرایط و کیفیات محیطی می‌توانند بر روی افراد با توجه به خصوصیات و خلقیات شخصی‌شان تأثیرگذار باشند. همچنین بیان می‌دارند که از علم روان‌شناسی محیطی می‌توان با توجه به ظرفیت‌های حوزه معماری و شهرسازی در مطلوب‌سازی محیط و مکان استفاده نمود.

در مقاله سنجش میزان اهمیت ادراک غیر بصری در مطلوبیت مکان معماری به تفکیک جنس، مطالعه موردی: کاخ نیاوران نگارندگان مهدی حیدری و شانی ظهرا بی‌بابادی (۱۳۹۲) در رابطه با میزان و عوامل تأثیر محیط بر روی افراد مطالعه نموده‌اند. آنها با مطالعه پیرامون علم روانشناسی محیط دریافته‌اند که محیط و افراد در یک رابطه متقابل بر هم تأثیر گذارند و همچنین کیفیت‌های گوناگون فضایی می‌تواند بر روی افراد با جنسیت‌های متفاوت تأثیرات نامشابهی را بگذارد. به همین طریق با مطالعه نمونه موردی کاخ نیاوران و بازدیدکنندگان از آن محیط دریافته‌اند که افراد با جنسیت مختلف چگونه و با چه شرایطی با محیط ارتباط برقرار می‌کنند که خود جالب توجه است.

۳- اهداف تحقیق

در این مقاله سعی بر این است که، با توجه به مشکلاتی که گفته شد تا حد توان مسائل زیر بررسی گردد.

الف) بررسی کیفیت محیطی و معماری مکان‌های آموزشی و اشتغال زنان سرپرست خانوار

ب) ارائه راه‌کارهای عملی در زمینه طراحی مجتمع آموزشی - فرهنگی برای زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست با استفاده از ظرفیت‌های علم معماری و حوزه روان‌شناسی محیطی

۴- زنان سرپرست خانوار

"تعریف واژه زنان سرپرست خانوار تا حدودی دشوار است زیرا در برخی خانواده‌ها، با وجود حضور مرد بزرگسال در خانواده، زنان نان‌آور خانواده هستند و در عمل خانواده به وسیله آنان سرپرستی می‌شود. پدیده زن سرپرست خانوار، یک واقعیت اجتماعی است که امروزه در تمامی جوامع به چشم می‌خورد که متأسفانه در جامعه کنونی ما شمار این زنان در حال افزایش است. زنان سرپرست خانوار از همان زمان که همسر خود را به هر دلیلی از دست می‌دهند، مجبور به ایفای نقش‌های چندگانه‌ای می‌شوند که در تعارض با یکدیگر قرار دارند. گروه عمده‌ای از این زنان با فقر، ناتوانی، بی‌قدرتی به‌ویژه در امور اقتصادی خانواده روبه‌رو هستند؛ به‌گونه‌ای که عزت‌نفس و سلامت روانی آنان را مختل و زمینه ابتلاء به افسردگی و سایر اختلال‌ها را فراهم می‌سازد" (افشانی و فاتحی، ۱۳۹۵). "این گروه به علت این که توان اداره امور اقتصادی خود و خانواده خود را ندارند، به سازمان‌های حمایتی روی آورده و به کمک‌های موردی و مستمری‌های ناچیز این نهادها بسنده کرده و با مسائل زندگی در چارچوب خانه دست و پنجه نرم می‌کنند. از سوی دیگر گروهی از این زنان علاوه بر ایفای نقش مادری، وارد عرصه اقتصادی و بازار اشتغال شده و امور اقتصادی خانواده را نیز هدایت می‌نمایند و به دلیل عدم دسترسی به مشاغل با منزلت مجبور به اشتغال در مشاغل حاشیه‌ای، نیمه وقت، غیررسمی و کم‌درآمد می‌گردند. شاخص‌های آماری نشان می‌دهند که میزان اشتغال در جمعیت فعال از نظر اقتصادی برای زنان سرپرست خانوار شهری و روستایی به ترتیب ۹۶ و ۹۷/۴ درصد است، این میزان برای زنان کل کشور ۸/۱ درصد شهری و ۱۰/۷ درصد روستایی است که بالاتر بودن نرخ اشتغال زنان سرپرست خانوار نسبت به کل زنان در کشور نشان می‌دهد که این به دلیل شرایط زندگی خاص و ضرورت پاسخ‌گویی به نیازهای اعضای خانوار می‌باشد" (بلداجی، فروزان و رفیعی، ۱۳۹۰).

۱-۴- شرایط آماری زنان سرپرست خانوار

آنچه که در این جا مورد نظر است توجه به مسائل و مشکلات خانوارهای با سرپرستی زنان است که متأسفانه در آمارهای نهادهای رسمی کشور شاهد رشد فزاینده این خانوارها هستیم؛ که علاوه بر ایجاد مشکل در ساختار خانواده‌ها تبعات اجتماعی آن‌ها نیز قابل توجه است. براساس آمارها، "در سال ۱۳۹۵، ۱۲/۷ درصد از خانوارهای ایرانی را زنان سرپرستی می‌کردند و میزان زنان سرپرست خانوار طی یک دهه منتهی به سال ۱۳۹۵ رشد ۸۶/۶ درصدی را پشت سر گذاشته است. در میان این آمارها، در سال ۱۳۹۵ از کل زنان سرپرست خانوار حدود ۴۴ درصد در خانواده تک نفره زندگی می‌کنند که به آنان زنان خود سرپرست اطلاق می‌شود. این رقم در سال ۱۳۸۵ به میزان ۳۶ درصد بوده است. این موضوع حاکی از آن است که سهم زندگی مجردی زنان طی یک دهه مورد بررسی افزایش یافته که می‌تواند پیامدهای مخاطره آمیزی داشته باشد. پیامدهای آن می‌تواند فردگرایی، عزت و افسردگی، نداشتن روحیه تعاون و همکاری، عدم تمایل به تشکیل خانواده و فرزند دانست" (اقتصاد نیوز، ۱۳۹۷). (ن.ک جدول شماره ۱)

جدول ۱: وضعیت آماری زنان سرپرست خانوار

میزان رشد خانوار در یک دهه منتهی به ۱۳۹۵	تعداد خانوار برحسب درصد	تعداد خانوار برحسب نفر	
۸۶/۶٪ افزایش	۱۲/۷٪ از کل خانوار	۳ میلیون	خانوار زن سرپرست
۳۴/۱٪ افزایش	۸۷/۳٪ از کل خانوار	۱۸ میلیون	خانوار مرد سرپرست

ماخذ: اقتصاد نیوز، ۱۳۹۷

۲-۴- وضعیت محیط آموزشی و اشتغال زنان سرپرست خانوار

کیفیت محیط آموزشی و اشتغال یکی از ویژگی‌های مهمی است که متأسفانه در میان مسائل و مشکلات مربوط به زنان سرپرست خانوار مغفول مانده است. به طوری که با مشاهده فضاهای آموزشی و اشتغالی که برای آن‌ها در نظر گرفته شده متوجه خواهید شد که اغلب خانه‌های کوچک و بی‌هویتی هستند که با تغییر کاربری به فضای آموزشی تبدیل شده‌اند (ن.ک شکل شماره ۱ و ۲).



تصویر ۱: محیط نامطلوب اشتغال زنان سرپرست خانوار (دانا، ۱۳۹۷)



تصویر ۲: محیط نامطلوب آموزش زنان سرپرست خانوار (پایگاه خدمات اجتماعی شهرک سعدی، ۱۳۹۳)

این درحالی است که به لحاظ روان‌شناسی محیطی کیفیت محیط و عناصر کالبدی و فضایی تشکیل دهنده آن برای ایجاد انگیزه و جلب اعتماد استفاده کننده‌گان از محیط بسیار موثر است. به‌گونه‌ای که "میزان کارایی فضا یکی از معیارهای کیفی سنجش فضا است، به این ترتیب که انسان پاسخ نیازهای خود را در فضا جست‌وجو می‌کند و برای هر نیاز خاص ذهن انسان توقع فضایی خاصی را می‌طلبد که بتواند بهترین بستر را برای ارضاء نیازهای او فراهم کند. نحوه پاسخ گرفتن از فضا و میزان رضایت شخص از محیط در رفتار و واکنش او نسبت به محیط بروز می‌نماید؛ درحقیقت رابطه نزدیک بین فضا و رفتار وجود دارد. هر شخص به محض حضور در یک فضا به بررسی و ارزیابی محیط می‌پردازد. زمانی که محیط شرایط مناسب‌تری را فراهم می‌کند و شخص می‌تواند با زحمت کمتری به هدف خود برسد احساس گیرایی و مطلوبیت کرده و تمایل دارد مدت طولانی‌تری در آن محیط توقف نماید. دستیابی و استفاده از محیطی مطلوب و با کیفیت توقعی است که هر فرد از فضا دارد. مطلوبیت فضا از نظر بیننده (استفاده کننده) ارتباط مستقیمی با برآورده شدن توقعات او دارد. اگر فضایی قادر به پاسخ‌گویی مناسب برای نیازهای خاص استفاده کننده‌گان و یا بخشی از آنان نباشد فضای کارآمدی محسوب نمی‌شود" (کاظمی، حبیب و اسلامی، ۱۳۹۳). به‌همین دلیل در ادامه با توجه به احساس نیاز به ساخت فضاهایی مطلوب و درخور برای زنان سرپرست خانوار، ابتدا به تبیین مبانی روان‌شناسی محیطی پرداخته و سپس به بعضی از راهکارهای طراحی مبتنی بر روان‌شناسی محیطی اشاره شده است.

۵- روان‌شناسی محیطی

"در دهه نخست قرن بیستم (حدود سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۰) تعدادی از روان‌شناسان تحت تأثیر نظریات نخستین ادراک گشتالتی که در آلمان در حال گسترش و انتشار بود پژوهش‌هایی را انجام دادند که از میان آنها می‌توان مکس ورتایمر، ولفگانگ کهلر، کورت کافکا نام برد. آن‌ها عقیده داشتند که انسان‌ها تمایلی ذاتی دارند تا دنیای ادراکی خود را تا حد امکان ساده کنند. پس از آن ایگون برونسویک در نظریه‌های مربوط به ادراک، الگوی عدسی‌ها را مطرح کرد و با اینکه وی نخستین بار در سال ۱۹۴۳ اصطلاح روان‌شناسی محیطی را به کار برد، بیشترین تحقیقات در این زمینه در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی به بعد منتشر شد" (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۶: ۲۰).

"هلیاخ نخستین پژوهشگری است که روان‌شناسی محیطی را در نیمه نخست قرن بیستم معرفی نمود. هلیاخ تأثیر محرک‌های مختلف محیطی همانند رنگ، شکل و دیگر اجزای محیط طبیعی را بر فعالیت‌های انسانی مطالعه کرده است. [با این وجود] بیشتر افراد عقیده دارند که برونسویک (۱۹۵۵-۱۹۰۳) و لویین (۱۹۸۰-۱۹۴۷) نخستین بنیان‌گذاران رشته روان‌شناسی محیطی بوده‌اند (ن. ک جدول شماره ۲). هیچ یک این دو پژوهشگر، کار تجربی خاصی در قالب روان‌شناسی محیطی به مفهوم امروزی خود انجام ندادند. باین حال ایده‌های آنان مانند ارتباط میان محیط طبیعی و فرآیندهای روانی و یا مطالعه رفتارهای انسانی در زندگی واقعی بجای تکیه بر محیط‌های مصنوعی و آزمایشگاهی، تأثیر فراوانی بر پژوهش‌های بعد از خود در زمینه ارتباط انسان و محیط داشته‌اند" (اِشتگ، ون‌دن‌برگ و دِگروت، ۱۳۹۶: ۲۶-۲۵).

جدول ۲: بنیان‌گذاران روان‌شناسی محیطی

اگون برونسویک (۱۹۵۵-۱۹۰۳) از جمله نخستین افرادی است که عقیده داشت که روان‌شناسی باید افزون بر توجه به ویژگی‌های محیط، به ویژگی‌های خود نیز اهمیت دهد. او بر این باور بود که محیط کالبدی تأثیری ناخودآگاه بر فرآیندهای روان‌شناسی دارد. او همچنین، از پژوهش‌هایی حمایت کرد که به مطالعه همه‌جانبه حضور انسان در محیط می‌پرداختند و فقط، بر محیط مصنوعی - که امروزه بیشتر روان‌شناسان را بر خود مشغول کرده - متمرکز نبودند. کرت لویین (۱۹۴۷-۱۸۹۰) نیز، همچون اگون برونسویک معتقد است که تحقیقات باید متوجه مشکلات جامعه در دنیای واقعی باشند. او پژوهش بر روی کنش‌های اجتماعی را تحقیقاتی تقلیل یافته می‌دانست که با تمرکز صرف بر بیان مسئله، در تلاش‌اند تا نظریه‌ها را در تجربه اعمال کنند و بدین ترتیب فقط به یافتن راه‌حلی برای مشکلات بسنده نمایند. افزون بر این، لویین نیز همانند برونسویک، به مفهوم‌سازی تأثیر محیط بر شکل‌گیری رفتارها پرداخت. از نظر او، رفتارها، پایه و اساس فرد و محیط به شمار می‌آیند. لویین بیشتر بر تأثیر عامل‌های اجتماعی و رابطه میان افراد بر رفتارها تأکید داشت و این موضوع را فقط، از منظر تأثیر محیط کالبدی بر رفتارها بررسی نکرد. آثار او الهام‌بخش پژوهشگران بسیاری برای ادامه و گسترش ایده‌هایش بوده است. از جمله این افراد، می‌توان به بارکر و بروفن‌پرنر اشاره کرد که هردو از پیش‌گامان روان‌شناسی محیطی به‌شمار می‌آیند.

ماخذ: اِشتگ، ون‌دن‌برگ و دِگروت، ۱۳۹۶: ۲۶

آنچه که مسلم است چگونگی ارتباط انسان با محیط اطراف خود به‌عنوان ارتباطی پویا و مستمر موضوعی است که در علم روان‌شناسی محیطی مورد توجه است. "واقعیت آن است که انسان خود از عوامل تشکیل دهنده محیط است. این موضوع هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی بر محیط تأثیر می‌گذارد. بنابراین روان‌شناسان محیطی به تدریج علاوه بر مطالعه عوامل محیطی، روان‌شناسی رشد و روان‌شناسی جنسیت را نیز در ارتباط با تحلیل محیط‌های رفتاری انسان بیشتر از پیش مورد توجه قرار داده‌اند" (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۶: ۲۰). پس لازم است که در مسیر طراحی و خلق محیط مصنوع، چگونگی حضور انسان در محیط و عوامل مؤثر بر رفتار را مورد بررسی قرار داد.

۱-۵- رفتار انسان در محیط

"از نظر روان‌شناسان محیطی، فرآیند شناخت انسان از محیط، تأثیر محیط بر اعصاب انسان، ذهن و روان انسان در ادراک محیط، رفتار انسان، فهم انسان از خویشتن خویش در محیط و یا رابطه اجتماعی انسان در محیط اهمیت دارد. در مجموع در یک نگاه کل‌نگر می‌توان گفت در نگرش به انسان هم ابعاد روانی - ذهنی وی، هم ابعاد رفتاری وی و هم رابطه وی با نظام‌های اجتماعی فرهنگی و بین فرهنگی همگی با هم اهمیت دارد و یکی کامل‌کننده دیگری است. به طور کلی تئوری‌های پایه رابطه انسان با محیط را می‌توان در سه بخش جای داد: در بعضی تئوری‌ها انسان مسلط بر محیط فرض می‌شود، در برخی دیگر فرض تسلط محیط بر انسان است و در دسته سوم تئوری‌های تعاملی در پی به تعادل رساندن رابطه انسان و محیط هستند (ن.ک جدول شماره ۳).

جدول ۳: رابطه انسان و محیط

رابطه انسان و محیط				
نگرش‌های رابطه انسان و محیط	نظریه‌های رابطه انسان و محیط	مفاهیم منتج و شاخص	نظریه‌پرداز شاخص	
الف نگرش متمرکز بر انسان	۱	نظریه یادگیری اجتماعی	مشاهده و یادگیری از محیط اجتماعی	جولین راتر
	۲	محیط پاسخ‌ده به نیاز انسان	مدل هرم نیازهای انسانی	آبراهام مازلو (۱۹۵۴)
	۳	نظریه‌های کنترل	درماندگی آموخته شده	سلیگمن (۱۹۷۵)
	۴	نظریه سطح سازگاری	مفهوم بار محیط و کرحتی محیط	زمر (۱۹۷۱)
ب نگرش متمرکز بر محیط	۵	نظریه‌های حفاظت از محیط زیست	مفهوم دام‌های اجتماعی	عده‌ای از محققان - بل و همکاران (۲۰۰۱)
	۶	نظریه تعامل	تعامل انسان و محیط	---
ج نگرش تعاملی انسان و محیط	۷	نظریه تبادل	مجموعه واحد انسان و محیط	آلتمن (۱۹۸۷)
	۸	نظریه ارگانیزمی	رشد توأمان انسان و محیط	---
	۹	نظریه قرارگاه رفتاری	همزیستی (سینومرفی) رفتار انسان و محیط	بارکر (۱۹۶۸) و یکر (۱۹۷۹)
	۱۰	نظریه‌های فلسفی - روان‌شناختی	فضای وجودی - شفق حرارتی - کیفیت بی‌نام - چند آوایی حسی	شولتز (۱۹۷۱) هیشونگ (۱۹۷۱) الکساندر (۲۰۰۳) پالاسما (۱۹۹۶)

ماخذ: شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۶: ۴۷

ادراک انسان از محیط و چگونگی رفتار او در محیط تحت تأثیر عوامل بسیار زیادی است. "انسان‌ها به صورت مداوم در تعامل با محیط خود هستند. در جریان این تعامل، اطلاعات را با حواس پنج‌گانه دریافت و سپس ادراک می‌کند و اطلاعات به‌دست آمده را در ذهن پردازش می‌کند. اما این پایان کار نیست! درواقع، تعامل ما با محیط یک جریان یک سو به سوی نیست که طی آن صرفاً از محیط اطلاعات کسب کنیم؛ انسان به عنوان موجودی غیرمنفعل، به طور متقابل بر محیط خود تأثیر گذار هست. این تأثیرگذاری که نوعی عکس‌العمل وی نسبت به محیط است، رفتار نام دارد. بنابراین فرد محیط را شناسایی می‌کند، نسبت به آن قضاوت و ارزیابی انجام می‌دهد و بر اساس ارزیابی خود در آن رفتار می‌کند. گاه در حین انجام رفتار محیط را تغییر می‌دهد و سپس محیط تغییر یافته را شناسایی و ارزیابی نموده و بر اساس این ارزیابی، رفتار خاصی خواهد داشت و این چرخه ادامه می‌یابد" (صارمی، خلاق دوست و خدابخشی، ۱۳۹۵: ۵۴).

"به دلیل همین پیچیدگی رفتار است که برخلاف تحقیقات بسیار زیاد انجام شده در یک قرن اخیر، هنوز پرسش‌های بی‌پاسخ بسیاری وجود دارد. مثلاً در مورد مؤلفه‌های شکل‌دهنده رفتار یا محرک‌های مؤثر بر رفتار پژوهشگران با رویکردهای گوناگونی به تحقیق پرداخته‌اند. یافته‌هایی که تا کنون در این زمینه به دست آمده عوامل اصلی شکل دهنده رفتار را در قالب سه بحث معرفی کرده‌اند (ن.ک شکل شماره ۳)؛ این سه حوزه عبارت‌اند از: الف- رفتار فیزیولوژیک ب- رفتار اجتماعی ج- رفتار محیطی" (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۶: ۵۴-۵۳).



تصویر ۳: عوامل مؤثر بر رفتار (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۶: ۵۴)

برهمن اساس به مکان‌ها و فضاهای انسان ساخت به‌عنوان محیط‌هایی که انسان در آن‌ها حضور مستمر دارد می‌باید توجه ویژه‌ای شود. به همین دلیل ارتباط بین معماری و روان‌شناسی محیطی به عنوان علم تجزیه و تحلیل رفتار در محیط دارای اهمیت است. بدین منظور در ادامه به این ارتباط پرداخته شده است.

۲-۵- روان‌شناسی محیطی و معماری

"شاید بتوان شروع توجه به یافته‌های روان‌شناسی محیط از سوی معماران و شهرسازان و تلاش برای به کارگیری آن در طراحی محیط زندگی را همزمان با افول سبک بین‌المللی معماری دانست. زمانی که سبک معماری مدرن در نقاط گوناگون دنیا فراگیر شد و به تبع آن مشکلات فراوانی در ارتباط انسان و محیط پیدا شد. این مشکلات به ویژه ناهنجاری‌های رفتاری تا حدی متأثر از محیط‌های مدرن زندگی بود که جان لنگ عنوان می‌کند: معماری عملکردگرا آنقدر که معماران مدرن ادعا کنند، خردگرا نبود. یکی از نمونه‌های ناکارآمدی معماری مدرن در برابر نیازهای روانی انسان که مبدل به سمبل مرگ معماری مدرن در تاریخ معماری جهان شد، تخریب ساختمان مجتمع مسکونی پروئیت ایگو به دلیل افزایش جرم و جنایت در آن است (ن.ک شکل شماره ۴). جین جکوبز نیز در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا در سال ۱۹۶۱ مرگ معماری و شهرسازی مدرن را مطرح کرد و نوشت: معماری مدرن از نظر ذهنی و اجتماعی مخرب است. به این ترتیب تأثیر معماری و شهرسازی مدرن بر سوء رفتار ساکنان و شهروندان آنها مسلم شد. حال می‌باید راه‌حلی برای اصلاح روش‌های طراحی و ساخت محیط‌های جدید زندگی پیدا می‌شد. برخی از این راه‌کارها از تجربیات گذشته برداشت شد و بعضی دیگر با رجوع به یافته‌های روان‌شناسی، به‌ویژه روان‌شناسی محیطی و علوم رفتاری به دست آمد" (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۶: ۲۵-۲۳).



تصویر ۴: تخریب مجتمع مسکونی پروئیت ایگو ۱۹۷۲ (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۶: ۲۴)

۳-۵- روان‌شناسی محیطی و فضاهای آموزشی

فرآیند طراحی و ساخت یک محیط کالبدی با در نظر گرفتن انتظارات و نیازهایی که از پروژه خواسته می‌شود امری سهل و ممتنع است. به همین منظور باید این پرسش را مطرح کرد که "آیا معماران قادر هستند ساختمان‌هایی را طراحی کنند که کالبد آن به ارتقاء خلاقیت و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و درونی افراد کمک کند؟ پاسخ به این سؤال نیازمند درک صحیح عوامل تأثیرگذار بر موضوع نظیر شناخت کاربران، ابعاد وجودی و نیازهای وی، شناخت محیط و... است تا ضمن سازمان‌دهی و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوطه بتوان با شناخت فرهنگ کاربران و محیط فکری آن‌ها، راه‌حل متفاوت و مناسبی را عرضه نمود. حرفه معماری بدلیل ماهیت بین‌رشته‌ای خود از مباحثی مانند علوم شناختی، علوم اجتماعی، علوم انسانی و هنر در بطن خود بهره می‌برد، در نتیجه نه تنها محصول نهایی طراحی، بلکه فرآیند طراحی و معماری بایستی مورد توجه و بررسی قرار گیرد. فاصله بین محیط بالقوه، یعنی محیط ذهنی و آرمانی طراح و محیط بالفعل یعنی محیطی که ساخته می‌شود و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد فاصله زیادی است. در صورتی محیط بالقوه به محیط بالفعل تبدیل می‌شود که شرایط اجتماعی، فرهنگی و روانی مخاطبان محیط در نظر گرفته شود. اهمیت شناخت کافی از موضوع طراحی، نقش تعاملی محیط فیزیکی در پیشبرد یا سرکوب افراد و همچنین بهره‌جستن از این تعامل از مهم‌ترین عوامل هستند" (صارمی، خلاق دوست و خدابخشی، ۱۳۹۵: ۱۱۹). در همین راستا توجه به آموزه‌ها و نکته‌هایی که معماران و روان‌شناسان در رابطه با محیط آموزش بیان کرده‌اند برای ایجاد تعامل افراد و محیط فیزیکی معقول به نظر می‌رسد (ن.ک جدول شماره ۴).

جدول ۴: نظرات معماران و روان‌شناسان محیط در زمینه محیط آموزشی

معماران و طراحان	گروپوس	ایجاد محیط خلاق، محرک
	شارون	ایجاد حس سکونت و تعلق مکان
روان‌شناسان محیط	هرتزرگر	ایجاد حس زندگی و تقویت روابط
	الوسون	جذابیت فضای آموزشی در راستای رشد و اجتماعی کردن
	پیرنیا	ایجاد معماری شکوهمند متناسب با وضعیت آسایش در فضا
	برونر	فرآیند پویا در آموزش با تلفیق فرد و محیط آموزش
	گالسر	لزوم توجه به نیازهای عاطفی و مسئولیت‌پذیری
	لوییس	تأکید بر مشارکت، خلاقیت و احساس مسئولیت
	ویلر	تأثیر استفاده مناسب فضا آرایش کلاس‌ها بر رفتار
	دیونی	ایجاد حس زندگی و تقویت روابط اجتماعی

ماخذ: صارمی، خلاق دوست و خدابخشی، ۱۳۹۵: ۱۲۱

بر اساس مباحثی که روان‌شناسی محیطی مطرح می‌کند انسان همواره با محیط پیرامونش ارتباطی متقابل دارد. بدین معنا که به همان میزان که می‌تواند محیط را دست‌خوش تغییر قرار دهد محیط نیز امکان تغییر حالات و رفتار او را دارا است. به همین دلیل استفاده از عوامل محیطی‌ای مثل نور، رنگ و فضای سبز که بر کیفیت محیط تأثیر گذارند و تا حد بالایی مطلوبیت و عدم‌مطلوبیت مکان‌ها و کاربری‌ها را مشخص می‌کنند امری ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین در ادامه به بررسی این عوامل به‌عنوان راه‌کارهایی جهت ایجاد کیفیت مطلوب محیطی و تأثیرات آن‌ها پرداخته شده است.

۱-۳-۵- راه‌برد استفاده از نور

"ما از جهات مختلف فیزیولوژیکی و روان‌شناختی با خورشید مرتبط هستیم و هیچ‌گونه کنترل مستقیمی بر نور طبیعی نداریم، بنابراین باید ساختمان‌ها و بناها را به گونه‌ای طراحی کنیم که نسبت به دامنه وسیعی از موقعیت‌های مختلف نور سازگارتر باشند. عموماً نور خورشید موضوعات مختلفی را پیش روی معمار قرار می‌دهد. درخشش نور از میان پنجره، تابش از میان صفحات، رسوخ به محیط از طریق روزنه‌های سقفی، اما نور خورشید توسط اشیاء و سطوح مختلف، منعکس، منکسر و پراکنده می‌شود. بدین ترتیب آنچه ساخته می‌شود تنها نور را جذب می‌کند بلکه نور را متضاد نیز می‌نماید. بدین ترتیب وجه جدید اشیاء این است که بسته به نوع شکل، ساختار و رنگ، منبع دوم نور باشند. سطوحی که نور را بازتاب می‌کنند و منابع دوم به شمار می‌آیند، توسط معمار شکل می‌گیرند. در جدول شماره ۵ نظریه معماران و نظریه‌پردازان در مورد نور روز جمع‌آوری شده است.

جدول ۵: تعاریف نظریه‌پردازان از نور روز

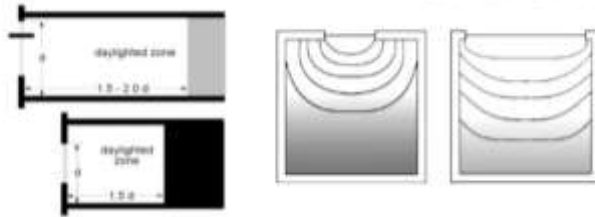
نظریه پرداز	نظریه
لویی کان (۱۹۶۹)	از نظر هنر معماری، هیچ فضایی یک فضای واحد نیست مگر آنکه از نور طبیعی برخوردار باشد.
وارن لوچسین	آنچه در معماری روابط جهانی تلقی می‌شود، ریشه در طبیعت نور و فضا داشته و ذاتاً با سنت‌های فرهنگی ما در ارتباط است. هنگامی که در جستجوی معانی هستیم، هیچ واژه‌ای را با این کثرت نمی‌بینیم و هیچ خطری بزرگتر از حس تعلق در حیطه‌ای مهیوم نیست.
جوآچینی اجومار	این وظیفه معمار است که با هوشیاری کامل قدرت نور (و سایه) را در اختیار بگیرد تا به ایجاد فضا و مفاهیمی که نور مصنوعی مفرق به وی ایفا می‌کند برآورد. به خصوص روشن ساختن فضاهای کوچک.
جوآچینی اجومار	معمار باید آگاه باشد که نور طبیعی چگونه می‌تواند محیط را روشن سازد. نور طبیعی می‌تواند محیط را در محیط پیرامونی ایجاد کند. همچنین باید بداند که بازتاب‌های بازتاب‌دهنده تنها روح بخش و زندگی بخش هستند بلکه گاهی می‌توانند جلوه اتاق را بر هر ریخته و یا حتی از بین ببرند.
رچارد میر (۱۹۹۵)	از نظر معماری، نور ایده‌های انتخابی مشخصی را از یک ساختمان تقویت می‌کند. آنچه نور باید انجام دهد حمایت، برجسته سازی و جلوه دادن اشیاء موجود، سطح و فنکست.
امیراطوری پروکوپوس و دی‌ادفیس	ساختمانی که به گونه‌ای قریب مملو از روشنی خورشید است، می‌توان اظهار کرد که این محل با نور خورشید روشن نشده است، لیکن پرتوها در خود آن تولید می‌شوند.
گریستین نوربرگ شولتز (۱۹۷۰)	دیدنی نواز از فضای معماری را مطرح می‌کند که وجه بارز آن رابطه سه گانه ی انسان، فضای هستی و فضای معماری است. در این نگاه انسان موجود متفکری است که سعی می‌کند با شرایطی که محیط فرا روی او قرار می‌دهد آن را معنی‌دار سازد.
لوکوریو (۱۹۵۵)	چشمان ما برای مشاهده‌ی صورت‌ها (فرم‌ها) در روشنائی ساخته شده‌اند، نور و سایه این صورت‌ها را آشکار می‌کند، مگرب هاد مخروط‌ها، کره‌ها، استوانه‌ها یا هرم‌ها صورت‌های بزرگ اولیه‌ای هستند که نور آن را به گونه‌ای ممتاز آشکار می‌کند.

ماخذ: شیرخانی، نخعی و غلامی، ۱۳۹۴

بالا بردن کیفیت نور طبیعی در فضاهایی که انسان در طول روز در آن‌جا فعالیت دارد علاوه بر ایجاد شرایط مناسب برای دیدن اجسام تأثیرات آشکاری بر احساسات و خلیات افراد نیز دارد. نتایج پژوهش‌های محققان نشان می‌دهد که نور به دو طریق مستقیم و غیرمستقیم بر افراد تأثیر می‌گذارد، تأثیر مستقیم آن بر روی احساسات، خلق و خو و حتی روی هورمون‌های بدن است. تابش نور طبیعی و ارتباط بصری با محیط خارج در فضاهای زیستی انسان علاوه‌بر افزایش کارایی و بازدهی فرد موجب کاهش اضطراب، بهبود رفتار و ارتقای شخصیت و نیز حفظ و افزایش سلامتی و آسایش می‌شود. بنابراین نور به‌طور عمده، طبیعی یا انسان‌ساز، مستقیم یا غیرمستقیم در محیط حضور دارد و بر دو جنبه روان‌شناسی محیطی یعنی ادراک محیط و رفتار محیطی مؤثر است. به‌بیان دیگر نور در محیط هم بر

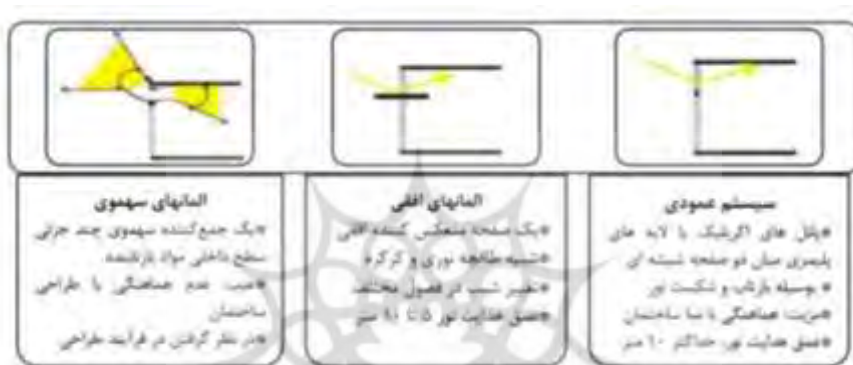
جنبه‌های ادراکی و شناخت و معنی دادن ذهن ما به محیط مؤثر است و هم این که میزان دریافت نور در محیط موجب می‌شود رفتارهای گوناگونی از انسان در محیط سر بزند(شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۶: ۲۹۵).

طبق مطالعات متعدد عمق نفوذ نور به ارتفاع مؤثر پنجره و عرض آن بستگی دارد. هرچه پنجره از عرض گسترده‌تر باشد عمق نفوذ نور به داخل بیشتر می‌شود. در اتاقی با ارتفاع سقف ۲۵ الی ۳ متر عمق نفوذ نور با یک پنجره معمولی ۱٫۵ برابر ارتفاع سرپنجره تا کف می‌باشد، حال اگر به پنجره یک طاقچه نوری اضافه شود این عمق نفوذ به ۱٫۵ تا ۲ برابر ارتفاع مؤثر پنجره می‌رسد.



تصویر ۵: منحنی نفوذ نور با حساب عرض پنجره و ضریب نفوذ نور با حساب ارتفاع پنجره (شیرخانی، نخعی و غلامی، ۱۳۹۴)

راه‌کارهایی که می‌توان نور را به عمق محیط هدایت کرد علاوه بر قفسه نوری شیوه‌های دیگری نیز استفاده می‌شود که به‌طور کلی سیستم هدایت نور به سه دسته عمودی افقی و سهموی تقسیم می‌شود.



تصویر ۶: انواع سیستم هدایت نور(شیرخانی، نخعی و غلامی، ۱۳۹۴)

۲-۳-۵- راه‌برد استفاده از رنگ

"رنگ‌ها واجد کیفیت‌هایی هستند که باید به‌گونه‌ای بسیار سنجیده و با توجه به دیگر کیفیات فضایی و ویژگی‌های محلی از آن استفاده کرد. نمی‌توان با یک شناخت کلی به ارائه راه‌کارها و ضوابط درباره آن پرداخت، تنها می‌توان ملاحظاتی را که بر پایه تحقیقات است، در نظر داشت بر این اساس مواردی در این زمینه در پی می‌آید.

جدول ۶: راه‌کارهای استفاده از رنگ

طراحی رنگ در فضای داخلی باید درخور اهداف طراحی باشد و به آن واکنش نشان دهد. تناسب و تأثیرگذاری رنگ بر روند طراحی شامل موارد زیر است: هماهنگی با حال و هوای محیط، جلب توجه، تعدیل کردن فضا از نظر مقیاس(بزرگ و کوچک جلوه دادن آن)، تفکیک کردن و محدود کردن فضا، جداسازی و تعریف فضا، همسان و همگون کردن بافت فضا.

رنگ‌ها زمینه متنوعی از فضاها و کنتراست‌ها را در ساعات مختلف روز پدید آورده و در هر ساعت، سایه‌روشن‌های جدیدی به‌وجود می‌آورند و فضا را متنوع و سرزنده می‌کنند. ضمن این که با استفاده از رنگ می‌توان به فضا یک پارچگی و وحدت بخشید، یا آن را متمایز و قابل شناسایی نمود.

برای این که تأثیرات رنگ از همان ابتدا برکل طراحی مشخص شود، باید آن را از همان آغاز به‌عنوان یکی از اجزای تشکیل‌دهنده انتخاب کرد. پرداختن به این مهم بعد از پایان طراحی درست نیست. در طراحی محیط، تأثیر متقابل رنگ‌ها اهمیت دارد. هر رنگ نسبت به دیگری میزان تیرگی یا روشنی ذاتی‌اش را نشان می‌دهد معکوس کردن این ترتیب طبیعی، ناسازگاری رنگی به‌بار می‌آورد.

رنگ‌ها می‌توانند به نگاه ما نسبت به بافت‌ها تأثیر بگذارند. بافت‌هایی با کنتراست بالا یک احساس فعال و پراثری ایجاد کرده و رنگ‌ها را برای ایجاد محیطی آرام محصور می‌کنند.

در طراحی محیط، باید براساس نیازهای افراد از هر فضا و از طریق هم‌پوشانی این نیازها با ویژگی‌های انواع ترکیبات رنگی دست به طراحی زد. به‌عنوان قانون کلی در طراحی رنگ در فضای داخلی، عاقلانه آن است که از رنگ‌های قوی و غالب به مقدار کم استفاده شود، درغیر این صورت در فضا غلبه کرده و باعث می‌شود فضا ناراحت کننده به‌نظر برسد.

هر رنگ باید در ارتباط با رنگ‌های دیگر فضا انتخاب شود. بنابراین باید هریک را با رنگ محیط اطراف سنجید. رنگ‌ها در مجاورت با یکدیگر تأثیرات مهم خود را نشان می‌دهند. پس مهم است که بتوان تأثیرات آن‌ها را بر هم، کنترل و پیش‌بینی کرد. بسیاری اوقات آن‌ها به‌تنهایی بی‌اثر هستند، اما وقتی کنار یکدیگر قرار می‌گیرند قدرت و زندگی را به نمایش می‌گذارند. باید توجه داشت که رنگ یک جزء منفک در محیط نیست بلکه ادراک آن همواره تحت تأثیر نور نیز هست. ترکیب نور با رنگ در محیط بسیار اهمیت دارد.

ماخذ: شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۶: ۳۱۴

۳-۳-۵- راهبرد استفاده از فضای سبز

در طراحی فضای سبز، طراح باید با شناختی کامل از نوع، رنگ و ویژگی گیاهان از آن‌ها به عنوان مصالح معماری استفاده کرده و با قرار دادن این اجزا در کنار هم به منظره‌ای زیبا و آرامش‌بخش دست یابد. یکی از مهم‌ترین عوامل طراحی فضای سبز، عوامل زیستی آن منطقه از جمله منابع آبی، کیفیت خاک و نوع اقلیم آن منطقه است.

"باتوجه به مبانی نظری و شناخت و بررسی مؤلفه‌های کیفیت محیطی و اصول طراحی فضای سبز در فضاهای شهری می‌توان به مؤلفه‌هایی که در این دو حوزه مشترک هستند دست یافت. در (جدول شماره ۷) این مؤلفه‌ها استخراج شده و در چهار دسته عملکردی، کالبدی، احساسی و زیبایی شناختی معرفی گردیده‌اند.

جدول ۷: مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء کیفیت محیط در طراحی فضای سبز



ماخذ: مضطرزاده و همکاران، ۱۳۹۶

۶- یافته‌های تحقیق

ایجاد بستر و محیطی مطلوب برای فعالیت‌های آموزش، یادگیری و اشتغال بدون توجه به مبانی روان‌شناسی محیطی که تا به این‌جا مورد بحث قرار گرفت، به‌نظر امری ناشدنی است. به بیان دیگر، برای تحقق چنین امری، یعنی ایجاد محیط کالبدی مطلوب و درخور برای آموزش و توان‌مندسازی «زنان سرپرست خانوار» که در اینجا مورد بحث است، همواره باید آموزه‌های علم روان‌شناسی محیطی که همانا توجه به همه جوانب محیط اعم از محیط اجتماعی، فرهنگی، اقلیمی و... و کاربران فضا را در نظر آورد (ن.ک شکل و جدول شماره ۸).



تصویر ۸: معیارهای مؤثر در خلق فضای معماری، (ماخذ: نگارندگان)

جدول ۸: مؤلفه‌های کاربردی جهت طراحی فضای معماری

عوامل مؤثر محیطی	راه‌کار	تأثیرات محیطی
نور	<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px;">سیستم عمودی</div> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px;">المان های افقی</div> </div> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; margin-top: 10px;">المان های سهموی</div>	<p>تأثیر بر ادراک محیط و رفتار محیطی</p> <p>ایجاد شرایط مناسب برای دیدن اجسام</p> <p>افزایش کارایی و بازدهی فرد</p> <p>بهبود رفتار و ارتقای شخصیت</p>

تعدیل و تعریف فضا تفکیک کردن و محدود کردن فضا جداسازی فضا همسان و همگون کردن بافت فضا	ایجاد کنتراست رنگی ترکیب نور با رنگ هارمونی با محیط	رنگ
ایجاد تناسب ایجاد تنوع ایجاد امنیت ایجاد خوانایی	مؤلفه های زیبا شناختی مؤلفه های کالبدی مؤلفه های احساسی عملکردی	فضای سبز

ماخذ: نگارندگان

۷- نتیجه گیری

برای دستیابی به توسعه اجتماعی اشراف و التفات به مسائل و مشکلات افراد جامعه ضروری است. با نگاهی به آمار و ارقامی که کیفیت زندگی و وضعیت معیشتی زنان سرپرست خانوار را (به عنوان گروهی از جامعه که نیازمند توجه و امداد بیشینه نسبت به دیگر گروه‌های جامعه هستند) نمایان می‌کند، متوجه می‌شویم که از شرایط مطلوبی برخوردار نیستند. و این علاوه بر این که بیانگر اخلاق در توسعه اجتماعی می‌باشد، لزوم اقدامی کارآمد و عملی را یادآور می‌شود. به همین منظور، استمداد از مفهوم توان‌مندسازی به عنوان راه‌کاری جامع می‌تواند راه‌گشا باشد. بدین معنا که، با تغییر مطلوب شرایط و ایجاد فرصت‌های برابر، سرمایه‌های نمادین آنان را افزایش داده و بستر حضور و مشارکت در اجتماع را برایشان فراهم آورد. به همین دلیل در اقدامی نو و آینده‌نگر توجه به محیطی که ظرفیت‌های لازم برای آموزش و پرورش قابلیت‌های زنان سرپرست خانوار را دارا باشد، می‌توان مدنظر قرار داد. محیطی که با اعتناء به مبانی روان‌شناسی محیطی در ابتدا به ویژگی‌های شخصیتی و روانی کاربران توجه داشته باشد و در مرحله بعد فضای کالبدی مناسب و درخوری را به وجود آورد. بنابراین راه‌کارهایی که بتواند علاوه بر ایجاد فضایی مطلوب، توانایی اثرگذاری مثبت را داشته باشد ضروری است. براساس آنچه که در این مقاله بررسی شد، به جهت اعمال تأثیرات مثبت و به عنوان راه‌کارهای عملی بهره‌گیری از تکنیک‌های استفاده از نور طبیعی و مصنوعی مناسب برای بهبود رفتار و ارتقای شخصیت، استفاده از رنگ و ترکیب آن با نور جهت ایجاد کیفیت‌های فضایی متفاوت و همچنین طراحی مناسب فضای سبز با توجه به مؤلفه‌های کالبدی، زیباشناختی، احساسی و عملکردی در فضاهای آموزشی و اشتغال می‌تواند راه‌گشا باشد.

منابع

۱. اشنگ، لیندا و ون‌دن‌برگ، اگنس و دگروت، جودی؛ مفاهیم پایه در روان‌شناسی محیطی؛ انتشارات کتاب فکر نو؛ چاپ اول؛ ۱۳۹۶
۲. افشانی، سید علی‌رضا و فاتحی، الهام (۱۳۹۵)؛ توان‌مندسازی زنان سرپرست خانوار و عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با آن: مطالعه زنان زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر تبریز؛ فصل‌نامه علمی - پژوهشی زن و جامعه؛ شماره ۳؛ صص ۳۸-۱۹
۳. اقبالی، همایون و صارمی، حمید رضا (۱۳۹۵)؛ درآمدی بر روانشناسی محیط و کارکرد آن در معماری و طراحی شهری، فصلنامه مدیریت جغرافیا، عمران و مدیریت شهری، دوره دوم شماره ۴؛ صص ۱۲۸-۱۲۱
۴. اندایش، یعقوب (۱۳۹۳)؛ رتبه‌بندی سازمان به‌زیستی از نظر شاخص‌های توان‌مندی زنان سرپرست خانوار کشور؛ معاون رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۵. تاتینا بلداجی، ام‌لیلا و فروزان، آمنه و رفیعی، حسن (۱۳۹۰)؛ کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان به‌زیستی کشور و زنان شاغل خدماتی؛ فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی؛ شماره ۴۰؛ صص ۲۸-۹
۶. حیدری، مهدی و ظهرابی‌بابادی، شانی (۱۳۹۲)؛ سنجش میزان اهمیت ادراک غیر بصری در مطلوبیت مکان معماری به تفکیک جنس، مطالعه موردی: کاخ نیاوران؛ همایش زن، معماری و شهر؛ ایران
۷. شاهچراغی، آزاده و بندرآباد، علی‌رضا؛ محاط در محیط (کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی)؛ انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران؛ چاپ سوم؛ ۱۳۹۶
۸. شیرخانی، نگار و نخعی، جلال و غلامی مهدی (۱۳۹۴)؛ برنامه‌ریزی معماری استفاده بهینه از نور روز در کلاس درس مدارس؛ دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی؛ ترکیه
۹. صارمی، حمیدرضا و خلاق‌دوست، متین و خدابخشی، سحر؛ روان‌شناسی محیط؛ انتشارات اول و آخر؛ چاپ اول؛ ۱۳۹۵
۱۰. کاظمی، مهروش و حبیب، فرح و اسلامی، سیدغلامرضا (۱۳۹۳)؛ رویکردی تحلیلی به نیازهای روانی و رفتاری زنان و تاثیر آن در بهبود کیفیت فضا (نمونه مورد مطالعه: فضای عمومی پارک)؛ مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست؛ شماره ویژه ۹۳؛ صص ۵۷۹-۵۶۹
۱۱. گزارش عملکرد طرح توان‌مندسازی پایگاه خدمات اجتماعی شهرک سعدی، ۱۳۹۳
۱۲. مظفرزاده، حامد و مصلی‌نژاد، علی (۱۳۹۷)؛ تعیین اصول طراحی فضای سبز مؤثر بر ارتقای کیفیت فضاهای شهری؛ فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری؛ شماره ۳۲؛ صص ۱۸۴-۱۷۵

13. <http://www.dana.ir> <Access time: 11/10/2018 >

14. www.eghtesadnews.com <Access time: 11/10/2018 >